

حساب بانکی عوارض ملت و یک دستت توی جیب تاجران و مغازه داران و کار نه چندان سختی که به طور خلاصه جلسه داشتن و مصاحبه مطبوعاتی و دستگیر کردن گدایان خیابانی و کاشتن چند تا گل و گیاه و درخت. این که هوای حاجی های بازاری را داشته باشی که ملت را بچاپند و یا این که تابلوی سر در فلان مغازه رنگش تند نباشد و یا تابلوی سر در سوناها و بوتیک های شمال شهر اسم غیر ایرانی نداشته باشد و بالاخره نگذاری سپورها اعتصاب کنند. کاری از این ساده تر؟ البته آقای الویری همه خبرنگاران را خیط کرد و جواب داد: «به جان مادرم استعفای من دلیل سیاسی نداشته بلکه این هوای مزخرف و آلوده تهران را دیگه نمی توانم تحمل کنم!»

درسته که می خوام سر به تن اونها نباشه ولی کاش می شد یک جویری از شون تشکر کنم، چون هر بار این فتواری تجدید و تمديد می کنند، کتابم برای چاپ جدید می ره چاپخونه! دم فتواشون گرم!

استعفای شهردار تهران



بله مرتضی الویری، شهردار تهران استعفا کرد. از همان اولش معلوم بود که نمی تونه جای پای کننده کرباسچی را پر کنه. درست مثل «رودی جولیان» که بعد از او هر کسی سر کار بیاد ملت می گن برو بابا...

خبرنگارها از سر و کول آقای الویری بالا می رفتند و می پرسیدند علت استعفایش چه بوده؟ و سعی می کردند یک دلیل سیاسی به استعفایش بچسبانند. آخه شهردار که همین طوری استعفا نمی کند! شغل به این پربرکتی یک دستت توی